



۱۸ دسمبر ۲۰۲۱

داکتر عبدالرحمن زمانی

نادر شاه به کمک های نظامی، مالی و استخباراتی انگلیس ها به سلطنت رسید

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

در دوران اغتشاش سقوی رسیدن مدعیان تاج و تخت کابل به قدرت، بدون پول، اسلحه و معلومات استخباراتی امکان نداشت. محمد نادر خان که باتن رنجور از مرض توبرکلوز و دست خالی از فرانسه برگشته بود، بدون کمک حتی نمیتوانست از عهده مسلح ساختن و مصارف اعاشه چند هزار نفر لشکر برآید.

انگلیس ها بنا بر دلایل متعدد، پالیسی نام نهاد غیر جانبداری را اعلام و تلاش و پافشاری داشتند تا کمک به محمد نادر خان و مداخلات خود در امور داخلی افغانستان را مخفی نگهدارند. محمد نادر خان هم طوریکه از ورود به هند گرفته تا رسیدن به پشاور و رفتن به سمت جنوبی و لوگر بصورت متواتر به آزادیخواهان هند و افغانها راجع به هدف اصلی خویش دروغ میگفت، که گویا در آمدن به افغانستان مقصد شخصی ندارد، خودش مدعی تاج و تخت نبوده، تنها برای نجات وطن و برگشتاندن صلح و آرامش برگشته است، از احوال موجوده اعلیحضرت امان الله خان متأسف بوده و برای خیر شخصی شان و منافع جامعه کار خواهد کرد، و انتخاب پیشوا کار مردم افغانستان است، (کشکی، برهان الدین (۱۳۱۰). نادر افغان: جلد اول که مشتمل بر اجمال حیات اعلیحضرت محمد نادر شاه از ولادت تا بدو سلطنت میباشد، صفحات ۳۴۹ تا ۳۵۱). راجع به ارتباطاتش با انگلیس ها و کمک هائی که در رسیدن به تاج و تخت از آنها بدست آورده بود، همواره دروغ گفت. یکی از بزرگترین دروغ های محمد نادر خان راجع به گرفتن کمک نظامی از انگلیس ها بود که افشای آن سبب اعتراض روشنفکران شده و از جمله عبدالهادی خان داوی که از طرف محمد نادر خان بحیث سفیر افغانستان در برلین مقرر شده بود، برسم احتجاج استعفا نموده، به کابل آمد و پس از چندی به زندان فرستاده شد.

محمد نادر خان بعد از آنکه بر اریکه قدرت تکیه زد، باز هم برای بازی دادن روشنفکران و ملت افغان در محفل افتتاح شورای ملی نام نهاد سال ۱۳۱۰ قسمت زیادی از وقت خود را صرف توضیحات و شکایاتی نمود که چگونه انگلیس ها به او کمک نکردند، و او از هیچ کشور خارجی کمک نگرفته است. او گفت که «من امروز بحضور شما و کلامی ملت اعلان مینمایم که من بجز فضل و رحم خدای قادر مطلق و فداکاری اهالی افغانستان بامداد هیچکدام دولت اجنبی کابل را فتح نکرده ام.» اما او گفت که بعد از رسیدن به تاج و تخت از انگلیس ها قرضه و کمک بی قید و شرط گرفته است: «سیاست من در افغانستان سروراز ندارد، سیاست من در افغانستان آشکارا است. من میخواهم هر چیز را به شما واضح کنم تا شما از هر چیز واقف باشید و بکارهای خود بدانید. وقتیکه من در کابل رسیدم و شما ملت باصرار و تأکید مرا پادشاه افغانستان انتخاب کردید،

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې ښې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليزلو مخکې په خیر و لولئ

وزارت خارجه فوراً به تمام دنيا اعلان کرد... من بنا بر اصول و قواعد بين المللی تمام معاهداتی را که حکومت سابق با دولت متحابه عقد کرده بود، تصدیق کردم دیگر هیچ معاهده سري و علنی ننموده ام. البته سال گذشته بعضی از دول بما امداد کردند، چنانچه حکومت بهیة برطانيا بدون کدام شرایط بافغانستان امداد کرد، این امداد عبارت است از یک لک و هفتاد و پنجهزار پوند قرض بلا سود، و ده هزار تفنگ و پنجاه لک کارطوس، و چون این امداد مبرا از هر گونه آلیشات سري و علنی است، و بدون شرایط است، من به ممنونیت قبول کرده ام» (عیناً نطق اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی به تقریب افتتاح اولین مجلس عالی (شورای ملی) افغانستان، یوم دوشنبه ۱۴ سرطان ۱۳۱۰ ش (مطابق با ۶ جولای ۱۹۳۱ میلادی)، صفحات ۱۱ و ۱۲).

محمد نادر خان در بیانیه اش پول را قرضه بدون سود و اسلحه را کمک نامیده و وقت آنرا سال گذشته (۱۳۰۹ شمسی مطابق با ۱۹۳۰ میلادی) ذکر میکند. از طرف دیگر فریزر تیتلر که از دوستان نزدیک خانواده نادر خان و سفیر انگلیس در کابل بود، در صفحه ۲۳۱ کتاب خود «افغانستان: مطالعه انکشافات سیاسی آسیای مرکزی و جنوبی» مقدار این پول را پنج هزار پوند بیشتر یعنی یکصد و هشتاد هزار پوند ذکر نموده، هم پول و هم ده هزار تفنگ را تحفه سخاوتمندانه حکومت بریتانیا و سال آنرا ۱۹۳۱ مینویسد.

درین جا باز هم چند سندی را از لابلای اسناد آرشیف انگلستان به علاقمندان تاریخ معاصر افغانستان تقدیم میکنم که خود بخوانند و بدانند که چگونه نادرشاه با دریافت کمک های مخفیانه نظامی، مالی، استخباراتی و سیاسی انگلیس ها به سلطنت رسید، و این کمک های مخفیانه بعد از آن هم برای استحکام سلطه حکومت خاندانی یحیی خیل ادامه داشت.

قسمت اول اسناد قبل از رسیدن به قدرت:

سند اول:

تلگرام ۲۹ مارچ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در پشاور حاکمیت که شاه ولی خان از طریق خدران و شاه محمود خان از طریق منگل و آریوب، بتاریخ ۲۵ مارچ خوست را بمقصد گردیز ترک گفتند. نادر خان هم باید بتاریخ ۲۲ مارچ به همراهی لشکر خدران و صبری، که به آنها اسلحه داده است، از متون بطرف گردیز حرکت میکرد. اما بین لشکر خدران و منگل تنازعه بر سر تقسیم اسلحه رخ داده است. نادر خان میکوشد منگلی ها را قانع سازند تا رسیدن به گردیز مسئله تقسیم را به تعویق اندازند، ولی منگلی ها فکر میکنند چالی در میان بوده، لذا نادر خان در کوشش هایش ناکام شده و در نتیجه جنگ بین خدران و منگل منجر به چور شدن بازار خوست شده است. حرکت محمد نادر خان بطرف گردیز هم به تعویق افتاده و شاه ولی خان و شاه محمود خان هم به خوست برگشته اند. (تلگرام شماره ۳۱۲ مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203).

اسناد دوم، سوم و چهارم:

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

تلگرام ۳۰ ماه مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در پشاور نشان میدهد که **محمد نادر خان** بعد از تقسیم یک هزار و پنجصد تفنگ به لشکر خدران و یک هزار و پنجصد تفنگ به لشکر منگل بتاریخ ۲۷ مارچ بطرف گردیز حرکت کرد. (تلگرام شماره ۳۴۴ مؤرخ ۳۰ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203).

این سه هزار تفنگ از جمله همان ده هزار تفنگ و پنجصد هزار کارطوسی بود که انگلیس ها به اساس راپور محمد نادر خان (که قبلاً ذکر شد) برای لشکر ده هزار نفری اقوام مختلف تهیه دیده و توسط میکوناچی، پولیتکل ایجنت ایجنسی کرم (کسی که بعد از تخت نشینی محمد نادر خان بحیث سفیر جدید انگلستان در کابل مقرر شد) به او رسانده شد.

جالبتر اینکه انگلیس ها در همین وقت یکبار دیگر به پیغام امان الله خان که توسط یونس خان مستشار سفارت افغانستان در لندن به وزیر خارجه انگلستان داده شد و در آن اجازه خواسته شده بود تا ماشیندارهای فرانسوی ای که در دوران سفر اروپای او خریداری شده و فعلاً در بندر کراچی اند، به قندهار فرستاده شوند، جواب رد دادند. (تلگرام شماره ۱۱۱۹ مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور خارجه هند، L/P&S/10/1203).

آنها نوشتند که «چه تفنگ های خود کار امان الله خان به شخص او و یا حکومت افغانستان ارسال شده باشند، بی اهمیت بنظر میرسد، چون ما هیچ حکومتی را در افغانستان برسمیت نمی شناسیم و به محموله های شخصی هم تا وقتی اجازه نمیدهیم، که در افغانستان یک حکومتی که ما برسمیت شناخته باشیم، تأسیس نشده باشد.» (تلگرام شماره ۱۲۵۸ مؤرخ ۲ اپریل ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور خارجه هند، L/P&S/10/1203).

سند پنجم:

معاون کمشنر «بنو» بتاریخ ۲۹ مارچ اطلاع داد که صاحبزاده محمد صدیق خان، یکی از اشخاصی که بحیث رابط معرفی شده بود، با نامه و پیغام شفاهی محمد نادر خان از خوست برگشته است و میخواهد آن نامه را شخصاً به سفیر انگلیس تسلیم کند. (تلگرام مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ معاون کمشنر بنو). همفریز محتوای پیغامی را که قاصد محمد نادر خان آورده بود چنین گزارش داد: «من بعد از آن از حبیب الله خواهم خواست تا تخت کابل را، با شرایط سخاوتمدانه برای خود و پیروانش، رها کند. اگر او نیروی کافی ما را ببیند، قبول خواهد کرد. بعد از داخل شدن به کابل من جرگه نمایندگان تمام اقوام افغانستان را فراخواهم خواند. از آنها ما پارلمانی خواهیم ساخت که قانون اساسی را ساخته و صلاحیت های شاه آینده را تعیین کند. روشن است که افغانستان ازین به بعد توسط یک شاه مطلق العنان به آرامی اداره شده نمیتواند، بنابراین صلاحیت های شاه آینده باید به شدت محدود شوند. بعد از انجام این کار، نمایندگان اقوام شاه خود را کاندید نموده و تحت شرایط تعیین شده پارلمان تخت و تاج به وی پیشکش خواهد شد. از آنجائیکه به پیروان من باید پول داده شود، من برای ادامه این پروگرام به پول ضرورت دارم. بدون شک جنگ داخلی در افغانستان برای مدت طولانی ادامه خواهد داشت، اگر برنامه من ناکام شود، افغانستان تجزیه خواهد شد.» (تلگرام شماره ۲۹۲ مؤرخ ۸ اپریل ۱۹۲۹ سفیر کابل انگلستان از شیمله به وزیر دولت در امور خارجه).

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

سند ششم:

محمد نادر خان در ماه اپریل هم ایم ای حکیم ، نماینده شرکت ایبیر، را با چند مکتوب نزد کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی فرستاده و بصورت شفاهی تقاضای پرداخت پول نموده است. کمشنر گزارش میدهد که یکی ازین نامه های نادر خان که به فارسی بود تاریخ انگلیسی ۲۷ اپریل را داشت، و در آن خواسته شده بود که آنرا شخصاً بمن نشان دهد. در نامه گفته شده بود که ما پیشرفت خوبی داریم، توانسته ایم اقوام جنوبی و مشرقی را متحد سازیم، ولی به پول نیاز داریم. **در نامه بعد از هدایت به حکیم که مبلغ پنج هزار (۵۰۰۰) روپیه را به ادرسی در پاراچنار و مبلغ پنج هزار (۵۰۰۰) روپیه را به حامل نامه تأدیه کند، ذکر شده بود که به حکومت [هند بریتانوی] مراجعه نموده بنام او [نادر خان] یا شخصاً و یا به نمایندگی از حکومت افغانستان قرضه بخواهد.**

سند هفتم:

یک تقاضای شفاهی دیگر محمد نادر خان برای پول در ماه می ۱۹۲۹ توسط ایم ای حکیم صورت گرفت. شیخ محبوب علی، سکرتر امور شرقی درباره این پیغام محمد نادر خان نوشت که ایم ای حکیم این پیغام را در شفر گرفته و به او هدایت داده شده تا آنرا به همفریزر رسانده و منتظر جواب بماند. در پیغام آمده است که «اقوام ولایات جنوبی و مشرقی بصورت مکمل از من حمایت میکنند و یک تعداد بزرگ جنگجویان را آماده ساخته اند. تنها مشکل من پول است. پولی که بتواند برای مدت کوتاهی غذای لشکر را تهیه نموده و از غارت دیگران جلوگیری کند. دادن فوری دولک روپیه هندی بمن نقش کلیدی برای تمام وضعیت را خواهد داشت.» محمد نادر خان در ختم این پیام به وعده هائی اشاره کرده بود که در اروپا به او داده شده و حال وقت پوره کردن آن آمده است. (تلگرام شماره ۲۹۲ مؤرخ ۸ اپریل ۱۹۲۹ سفیر کابل انگلستان از شیمله به وزیر دولت در امور خارجه).

سند هشتم

محمد نادر خان بتاريخ ۲ جون ۱۹۲۹ سردار احمد علی خان را نزد مکوناچی فرستاده **تقاضای پول و اسلحه بیشتر نمود. ایجنت سیاسی انگلیس ها در گزارشش مبنی بر خلاصه گفتار سردار احمد علی خان نوشت که بزرگترین نیاز سردار نادر خان به پول است. او اسلحه بیشتر نیز میخواهد، اما با آنچه در دست دارد کارش را به پیش برده میتواند.** (یادداشت محرمانه شماره ۶۳۰ مؤرخ ۳ جولای ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنت کرم پاراچنار).

سند نهم

که محمد نادر خان بعد از آنکه امان الله خان از کشور برآمد، و حضرت نورالمشایخ هم حمایتش را از وی (نادر خان) اعلام داشت، خود را زمامدار آینده افغانستان دانسته و در صدد گرفتن قرضه بنام افغانستان و دادن وعده های بلند و بالایی قرارداد با شرکت های انگلیسی شد. حکومت ایالت سرحدی شمال غربی در یک مکتوب محرمانه خود کاپی نامه ایم ای حکیم به آقای لیلی، مسئول شعبه استخبارات را ضمیمه ساخته است که در آن حکیم مینویسد: جنرال محمد نادر خان به او نوشته است که شیر آغا (حضرت نورالمشایخ) تصمیم

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

قطعی گرفته است از او حمایت کند. او باز هم از کمبود پول شکایت نموده و می‌خواهد بداند که آیا حالا در روشنی بیرون رفتن امان الله خان از صحنه حکومت انگلیس ها حاضر به پرداخت قرضه هست؟ اگر حکومت خواهان دیکته کردن شرایط خاص باشد، جنرال از من می‌خواهد با حکومت هند مذاکره نموده، به مرکز او رفته و بعد از مطرح نمودن موضوع، وکالت نامه او را حاصل، پس به هند برگشته و بحیث نماینده با صلاحیت وی موضوعات مورد منازعه را با حکومت هند حل و فصل نمایم. ایم ای حکیم می‌افزاید که اگر حکومت هند بخواهد تنها خواهش من هم رفتن به شیشونوک برای دیدن جنرال می‌باشد. جنرال [نادر خان] از من خواسته است به حکومت اطمینان بدهم که خانواده او مخلصانه خواهان تأسیس مناسبات نهایت دوستانه با حکومت هند بوده و مدام به بهترین وجه از طرف خود خواهد کوشید تا جلو تبلیغات خارجی را گرفته و هرگز فرصت گمان نیئت سو حکومت افغانستان را به حکومت [هند] نخواهد داد. (تلگرام شماره مکتوب محرمانه عاجل شماره ۱۵۰۶ مؤرخ ۱۵ جون ۱۹۲۹ حکومت ایالت سرحدی شمال غربی از نته گلی).

قسمت دوم اسناد بعد از رسیدن به قدرت:

از اسناد دیگر موجود در آرشیف انگلستان می‌بینیم که محمد نادر خان بعد از رسیدن بقدرت هم از انگلیس ها اسلحه و پول گرفته است، و مقدر آن اسلحه دوچند اسلحه بود که در دوران تلاش های رسیدن به قدرت گرفته است. مثلاً سفیر انگلیس برای افغانستان بتاريخ ۱۹ می ۱۹۳۰ گزارش میدهد که ایم ای حکیم، معتمد شاه، بعد از گذشتاندن یک ماه در کابل بمن بصورت محرمانه اطلاع داد که حکومت افغانستان به اساس وعده قبلی همفریز بزودی تقاضای کمک بیست هزار (۲۰۰۰۰) تفنگ و بیست میلیون مرمی را خواهد کرد. (تلگرام شماره ۲۳ مؤرخ ۱۹ می ۱۹۳۰ سفیر انگلیس برای افغانستان L/P&S/10/13010).

تلگرام ۱۲ جون سفیر انگلیس هم نشان میدهد که انگلیس ها از قبل این تحفه مخفیانه انگلیس ها به محمد نادر خان را مورد بحث قرار داده و تصویب نموده بودند، و این تحفه شامل تأدیة هفت لک (هفتصد هزار) روپیة پیشکی بود که حتی در ماه نومبر سال ۱۹۲۹ بعد از داخل شدن نادر خان به کابل تصویب شده بود. (تلگرام شماره ۳۶۳۸ مؤرخ ۲۱ نومبر ۱۹۲۹ وزیر امور خارجه برای هند. L/P&S/10/13010).

از این اسناد و اسناد دیگر موجود در آرشیف انگلستان ثابت میشود که انگلیس ها نمیخواستند در رابطه با بعضی از موضوعات حساس سند تحریری بجا بگذارند، که البته کمک های مالی و اسلحه به محمد نادر خان نیز درین جمله شامل می‌باشند، و اکثر این پیام ها توسط اشخاص رابط دوطرف بصورت شفاهی رسانده میشود. مثلاً در یکی از این اسناد حکومت هند بریتانوی به شیخ محبوب علی، سکرتر امور شرقی هدایت داده است تا از ذکر نام اتحاد شوروی و موضوعات مهم سیاسی در تلگرام های رحمت خان، ناظر یا سرپرست سفارت انگلیس در کابل، جلوگیری کند. (اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۱۰ مؤرخ ۷ می ۱۹۲۹ شیخ محبوب علی آتشة امور شرقی در پشاور).

در یک سند دیگر ایجنت سیاسی از پاراچنار اطمینان داده است که «مطابق به هدایت تلگرام دیروزی حکومت ایالت شمال غربی، پیغام بصورت شفاهی به حاجی [محمد اکبر خان] داده شد. او به احتیاط یادداشت گرفت و

من آنرا تصدیق کرده ام. من امروز آنرا درست نموده و او فردا نزد نادر می رود.» (تلگرام شماره ۸۵۰-۵۲ سی مؤرخ ۱۰ سپتمبر ۱۹۲۹ پولیتیکل پاراچنار).

منابع:

1. کشکی، برهان الدین (۱۳۱۰). نادر افغان: جلد اول که مشتمل بر اجمال حیات اعلیحضرت محمد نادر شاه از ولادت تا بدو سلطنت میباشد، صفحات ۳۴۹ تا ۳۵۱.
2. عیناً نطق اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی به تقریب افتتاح اولین مجلس عالی (شورای ملی) افغانستان، یوم دوشنبه ۱۴ سرطان ۱۳۱۰ ش (مطابق با ۲ جولای ۱۹۳۱ میلادی)، صفحات ۱۱ و ۱۲.
3. ویلیام فریزر تیتلریکی از مأمورین انگلیسی در ایالت سرحدی شمال غربی، کسی بود که بعد از ترک وطن غازی امان الله خان مأموریت نظارت و رساندن او را از بندر بمبئی تا فرانسه داشت، و در دوران زمامداری خانواده محمد نادر خان بحیث سفیر انگلیس در کابل ایفای وظیفه مینمود.
4. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۱۲ مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.
5. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۴۴ مؤرخ ۳۰ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.
6. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۱۱۹ مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور خارجه هند، L/P&S/10/1203.
7. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۲۵۸ مؤرخ ۲ اپریل ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور خارجه هند، L/P&S/10/1203.
8. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ معاون کمشنر بنو.
9. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۹۲ مؤرخ ۸ اپریل ۱۹۲۹ سفیر کابل انگلستان از شیمله به وزیر دولت در امور خارجه.
10. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۳۳ مؤرخ ۱۱ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.
11. اسناد آرشیف هند بریتانوی، یادداشت محرمانه شماره ۲۳۰ مؤرخ ۳ جولای ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنت کرم پاراچنار.
12. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره مکتوب محرمانه عاجل شماره ۱۵۰۲ مؤرخ ۱۵ جون ۱۹۲۹ حکومت ایالت سرحدی شمال غربی از نتیه گلی.
13. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۳ مؤرخ ۱۹ می ۱۹۳۰ سفیر انگلیس برای افغانستان، L/P&S/10/13010.
14. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۲۳۸ مؤرخ ۲۱ نومبر ۱۹۲۹ وزیر امور خارجه برای هند، L/P&S/10/13010.
15. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۱۰ مؤرخ ۷ می ۱۹۲۹ شیخ محبوب علی آتشه امور شرقی در پشاور.
16. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۸۵۰-۵۲ سی مؤرخ ۱۰ سپتمبر ۱۹۲۹ پولیتیکل پاراچنار.

(پایان)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ